

## بررسی تحلیلی جایگاه عقل در روایات تفسیری شیخ صدوق رحمته الله علیه\*

سید محمد موسوی\*\* و حسین ستار\*\*\*

### چکیده

بنا به تلقی دسته‌ای از مستشرقان، شیخ صدوق برخاسته از جریان نص‌گرایی قم است. از دیگر سو در قرن چهارم هجری شاهدیم جریان‌های تفسیری عقل‌گرا طرفداران قابل توجهی همچون شیخ مفید به خود اختصاص داده است. این پژوهش با هدف شناساندن جایگاه و گونه‌های عقل در تراش روایی شیخ صدوق و از رهگذر روش توصیفی و تحلیلی نشان داده است که نخست؛ شیخ صدوق نیز جزو محدثانی است که به عنصر عقل در تراش تفسیری خویش، نقش مهمی قائل شده است. دوم؛ عقل در لسان شیخ صدوق دارای سه ساحت است. عقل جوهری، عقل مُدرک منبعی و عقل مدرک دلالی. سوم؛ به باور ما شیخ صدوق عقل جوهری را توانی می‌داند که با استمداد از آن می‌توان بین شر و نیکی جدایی افکند و همچنین قوایی برای درک معرفت و حقیقت است. همچنین صدوق در فرآیند فهم قرآن از عقل دلالی بیشتر از عقل منبعی بهره گرفته است؛ بنابراین از دریچه آثار تفسیری صدوق، عقل نقشی ارشادی، معرفت‌شناختی و پیشتیبانی دارد. البته شیخ صدوق نه نص‌گرای محض بوده و نه عقل‌گرای محض و همچنین عندالاقضاء و در عرصه‌های گوناگون تفسیری بیشتر از تحلیل‌های عقلی بهره برده و کمتر به تحلیل روایی محض پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** شیخ صدوق، عقل‌گرایی، نقل‌گرایی، نص‌گرایی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

\*\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث و استاد مدعو دانشگاه کاشان، «نویسنده مسئول»؛  
(seyyedmosavi۱۳۷۵@gmail.com).

\*\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان؛ (tadrik۱۳۹۰@gmail.com).

پیشینه تفسیر قرآن به عصر نزول قرآن و دوران صدر اسلام باز می‌گردد. در این دوران به سبب دسترسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله به‌مثابه معلم و مبین آیات و معارف الهی از یک طرف و از دیگر سو، فقدان پرسش‌های جدی و بنیادین از تعالیم وحیانی، جریان‌های روایت‌گرا فعالیت چشمگیر و پرنگی در عرصه قرآنی نداشتند. با گذشت عصر نزول به مرور با گسترش جوامع اسلامی و فتوحات فراوان، مسائل جدیدی درباره قرآن و مضامین آن مطرح شد. دانایان مفسر قرآن با واقعیت‌هایی روبه‌رو شدند که اهتمام به نگارش تفاسیر از جمله آثار آن به حساب می‌آمد. دوری از عصر ائمه علیهم السلام به‌عنوان شارحان حقیقی قرآن، و پیدایش مسائل نوین و رویارویی با تازه‌مسلمانان اندیشه‌ورز از مسائل جدیدی است که مفسران قرآن با آن روبه‌رو شدند.<sup>۱</sup>

شایان توجه است قرون نخستین اسلامی، اغلب نگاه‌های تفسیری صیغه نقلی به خود گرفته بود. از دلایلی که باعث شد مفسران چنین نگاه محدودی به دانش تفسیر داشته باشند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. آشنایی با لغت عرب؛ ۲. بساطت و صرافت فکری در قلمروهای اندیشه‌ای فقهی، کلامی و...؛ ۳. پرهیز از بحث و مجادلات نظری و انتزاعی؛ ۴. وجود روحیه عمل‌گرایی.<sup>۲</sup> به هر حال با عنایت به نگاه محدود فوق، تفسیرنگاری در قالب روایی، مانع گسترش افق‌های تفسیری نشد. گزارش‌های پراکنده و در عین حال به‌وفور تاریخی در این عصر، حاکی از نگارش تفاسیر اجتهادی و فراتر از شیوه روایی و نقلی است؛<sup>۳</sup> گرچه این نوع جریان‌های روایت‌گرا عمدتاً در گرایش‌های برخی از صحابی‌ان و تابعان دیده شده است.

از دیگر سو در مکتب تفسیری اهل‌بیت علیهم السلام علاوه بر نگاه روایی به تفسیر قرآن، رویکرد اجتهادی به‌مثابه یک باور شیعی<sup>۴</sup> و نگاهی طریقی بدان وجود داشته است.<sup>۵</sup> با ورود به عصر غیبت به‌رغم آنکه در آثار باقیمانده شیعی، نگاه به تفسیر قرآن جنبه روایی داشت

۱. ر.ک: المدرسة القرآنية، ص ۲۱۳؛ المنهج الاثري، صص ۴۰-۴۷.

۲. ر.ک: المقدمة ابن خلدون، ص ۴۳۷.

۳. ر.ک: مکاتب تفسیری، ج ۱، صص ۱۰۲-۱۲۰.

۴. نک: الکافی، ج ۱، صص ۱۷۳، ۲۲۱-۲۲۳.

۵. ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۱، صص ۴۲۹-۴۷۶.

اما این آثار افزون بر شرح معانی قرآن، در پوشش نقل، از اشارات اجتهادی نیز خالی نیست.<sup>۱</sup> هر چند در برابر این ادعا مستندی از شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) وجود دارد که از کسانی در این دوران یاد می‌کند که تفسیر هیچ بخشی از ظواهر قرآن را مگر به مدد اخبار روا نمی‌دانستند.<sup>۲</sup>

شیخ صدوق از پرچمداران حدیث‌پژوهی است که نقش وی در گسترش روایات امامیه جلب توجه می‌کند. ابن بابویه محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م. ۳۸۱ق)، محدث و فقیه بزرگ شیعه امامیه،<sup>۳</sup> از وی با لقب «عمادالدین» یاد کرده است. ابن بابویه در قم در خاندانی اهل دانش پرورش یافت و در خردسالی از محضر مشایخ آن شهر استفاده کرد. دیری نپایید که استعداد او در فراگیری علم زبانزد محافل علمی قم گردید.<sup>۴</sup>

ابن بابویه کثیرالتألیف بوده، چنانکه مثلاً هنگام حضور در ایلاق، حدود سال ۳۶۸ق به گفته خودش بالغ بر ۲۴۵ تألیف داشته است؛<sup>۵</sup> به‌خصوص در میان تألیفات ایشان تفسیر قرآن نیز مشاهده می‌شد.<sup>۶</sup> ناگفته نماند آثار باقیمانده شیخ صدوق حاوی آراء تفسیری بسیاری بوده به‌نحوی که آثار وی تأثیر زیادی بر تفسیر و تبیین کلام‌الله داشته است. آنچه در این پژوهش مدنظر است، جبران کم‌توجهی محققان در این زمینه و بی‌اعتنایی به آراء تفسیری شیخ صدوق است، گرچه از تفسیر او چیزی به‌دست ما نرسیده است. چندی است برخی<sup>۷</sup> محققان معاصر از آثار باقیمانده شیخ صدوق، به گردآوری کتابی به نام «تفسیر القرآن الکریم للشیخ الصدوق» مبادرت ورزیدند. این کوشش از زوایای گوناگونی شایان توجه است. از آنجا که از دیدگاه گروهی از حدیث‌پژوهان شیخ صدوق جلودار و آخرین فرد شاخص مکتب نص‌گرای قم شناخته می‌شود؛<sup>۸</sup> در برابر این سخن عمده دانشیان عصر حاضر شیخ صدوق را عقل‌گرا و نزدیک به معتزله معرفی می‌کنند. مارتین مکدموت، پس از نقل

۱. ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۹-۶۱.

۲. التبیان، ج ۹، ص ۳۰۳؛ نک: همان، ج ۱، ص ۴.

۳. اسانید الاستبصار، ج ۴، ص ۳۲۷ و ۳۳۲، به‌نقل از دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۳، ص ۹۲۹.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۰۳؛ الغیبة طوسی، ص ۱۱۸ و ۱۹۵.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲-۳.

۶. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۹۱-۳۹۲.

۷. التفسیر القرآن، جامعة الامام الصادق علیه السلام.

۸. ر.ک: «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در تشیع»، پژوهشنامه کلام، شماره ۴، ص ۶؛ «تأثیر محیط اجتماعی نیشابور بر

نگارش امالی شیخ صدوق»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۳۷، ص ۱۴.

سخنی از شیخ صدوق پیرامون امکان رؤیت باری تعالی و تعبیرات تشبیهی چنین اظهار می‌دارد:

هیچ معتزلی نمی‌تواند روشنتر و آشکارتر از این سخن گوید. به شکل کلی ابن بابویه، کمال دقت را به خرج می‌دهد تا روایاتی که در آنها گفته می‌شود خدا بدنی دارد یا می‌تواند ببیند، چنان توجیه کند که رنگ تشبیهی نداشته باشد.<sup>۱</sup>

وی حتی بیان می‌کند با توجه به نگاشته‌های شیخ صدوق پیرامون عدل الهی در کتاب التوحید، او از معتزلیان تأثیر گرفته است.<sup>۲</sup>

از دیگر سو، شیخ صدوق احادیثی را نقل می‌کند که با عقل و استنتاج عقلی سخت ستیز می‌کند. او این‌گونه اخبار را بی‌هیچ توضیحی از دیگران نقل نموده و در کتاب‌هایش ذکر کرده است؛ بلکه گاهی دیدگاه موافق با مضمون خبر را نسبت به این دسته از احادیث ابراز می‌نماید.<sup>۳</sup>

در این پژوهش تلاش می‌شود با نگاه به آثار و روایات تفسیری شیخ صدوق، میزان بهره‌مندی وی از عقل و اجتهاد مورد واکاوی قرار گیرد. در این مسیر تفسیر منسوب به شیخ صدوق به‌مثابه فردی برخاسته از مکتب قم نمونه‌گویی برای مطالعه در این تحقیق خواهد بود. از این رو برای پی‌جویی عنایت صدوق به جایگاه عقل در تفسیر قرآن کریم، فرضیه‌های زیر قابل ترسیم است:

۱. شیخ صدوق بر اساس آنچه از احادیث ائمه هدی به او رسیده بود، آیات قرآن را تفسیر نموده و هیچگاه از روش روانی - نقلی خارج نشده است. از این رو می‌توان او را فردی نص‌گرا در معارف دینی دانست.

۲. شیخ صدوق در تفسیر از عقل در حوزه‌های مختلفی مانند خداشناسی، نبوت و امامت، تقیه و امور مربوط به رجعت و معاد به‌مثابه «منبع» و در غیر حوزه‌های پیش گفته از عقل به‌مثابه «مصباح» استفاده می‌کند. از این رو می‌توان او را هم عقل‌گرا دانست و هم نص‌گرا.

با توجه به تتبع انجام‌شده پیرامون جایگاه عقل در تراث روایی شیخ صدوق می‌توان به تحقیقات ذیل به‌عنوان پیشینه تحقیق تأکید کرد:

۱. مقاله «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در مکتب تشیع (با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شیخ صدوق و

۱. به نقل از: اندیشه کلامی شیخ مفید، ص ۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۲۷.

۳. من لایحضره الفقیه، ص ۱۹؛ ج ۳، صص ۱۰۵-۱۰۸.

شیخ مفید) اثر عبدالمجید حکیم الهی (۱۳۹۵). نوشتار حاضر تلاش دارد به این پرسش بپردازد که در یک بررسی تطبیقی، عقل چه جایگاهی در منظومه معارف مکتب عقل‌گرای بغداد و نص‌گرای قم داشته است و نوآوری‌های شیخ صدوق و شیخ مفید در جایگاه عقل چیست.

۲. مقاله «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق» اثر حسن مهرنیا و دیگران (۱۳۹۸). شیخ صدوق تمایز واضحی بین عقل و وحی نمی‌بیند و عقل را به مدد وحی راهگشا می‌داند. نویسندگان بر این باور است که بالاترین درجه عقل در نزد انبیا و ائمه معصومان علیهم‌السلام وجود دارد و عقلا و فلاسفه با نهایت تلاش خود سعی می‌کنند به فهم سخنان ایشان نایل شوند. صدوق می‌گوید: خداوند امری را مقرر نمی‌کند مگر اینکه صورتی از حقیقت آن امر را در عقل انسان قرار می‌دهد. ایشان از عقل در حوزه‌های مختلفی مانند خداشناسی، نبوت و امامت، تقیه و امور مربوط به رجعت و معاد استفاده می‌کند.

۳۱



۳. مقاله «بررسی روش شناختی تطبیقی اندیشه کلامی صدوق و مفید» نگاشته محمدعلی نیازی و دیگران (۱۳۹۰). در این مقاله سعی شده است روش کلامی صدوق و مفید و مبانی روش کلامی این دو متکلم نامدار شیعی که یکی نماینده مکتب قم و دیگری نماینده مکتب بغداد بوده‌اند، بررسی و تطبیق گردد و بدین ترتیب، جایگاه عقل و نقل نزد این دو اندیشمند کلامی روشن شود. سپس، میزان بهره‌گیری این دو متکلم از عقل و نقل در تبیین مسائل اعتقادی و پاسخ به شبهات ارزیابی گردیده و اثبات می‌شود که صدوق برخلاف مفید، روش نقل‌گرایی را در اثبات عقاید دینی ترجیح داده است، اما نه به این معنا که عقل را نادیده گرفته باشد، بلکه از احادیث و روایاتی که به نوعی از استدلال‌های عقلانی برخوردار است، استفاده می‌کند.

۴. مقاله «جایگاه عقل از منظر محدثان امامیه (شیخ کلینی و شیخ صدوق)» اثر سید هادی سیدوکیلی (۱۳۹۰). برخی از مورخان، روش مسلمانان را به دو جریان اصحاب حدیث با مشخصه عقل‌ستیزی و متکلمان با مشخصه عقلانیت، تقسیم‌بندی می‌کنند. این تقسیم که از جریانات فکری غیر امامی گرفته شده است، به امامیه نیز بسط داده می‌شود. در کتب بسیاری، محدثان شیعی چون شیخ کلینی و شیخ صدوق به عقل‌ستیزی متهم شده‌اند. در این مقاله سعی شده است تا با مراجعه به کتب این دو شخصیت مهم امامی، جایگاه عقل در نظر ایشان آشکار گردد.

۵. مقاله «عقل‌گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او» اثر رضا برنجکار و سید محسن موسوی

(۱۳۸۹). نویسندگان این اثر ضمن اینکه شیخ صدوق را متکلمی عقل‌گرا معرفی کرده‌اند. گونه عقل‌گرایی صدوق را با دیگر اندیشمندان متفاوت دانسته‌اند.

با عنایت به پژوهش‌های وزین پیش‌گفته و جستجویی که نگارنده پیرامون این اثر داشته است می‌توان اذعان کرد بررسی تحلیلی جایگاه عقل در حوزه تفسیر قرآن کریم و با محوریت روایات تفسیری شیخ صدوق، اثری نوین و دارای رهیافتی جدید در نوع خود می‌باشد.

### الف. چیستی عقل نزد شیخ صدوق رحمته‌الله

حکما برای عقل و انواع گوناگون آن تعاریفی ارائه نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که بعضی از آنها نشانگر اشتراک لفظی و بعضی دیگر حاکی از اشتراک معنوی و مفهوم تشکیکی عقل است. «عقل» از دیدگاه وجود شناختی دارای دو اصطلاح و کاربرد است یکی جوهری و دیگری قوه مدرکه؛ که دومی در تفسیر قرآن استفاده می‌شود. کاربرد عقل تفسیری در یک نگاه کلان بر پایه نظر به منابع اربعه اجتهاد به دو قسم عقل منبعی و مصباحی تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup> حال در این بخش به تفصیل به هریک از اقسام پیش‌گفته عقل از دیدگاه شیخ صدوق خواهیم پرداخت و نظر شیخ صدوق را پیرامون عقل منبعی و عقل دلالی در روایات تفسیری و میزان کارکرد آن را خواهیم کاوید:

#### ۱. چیستی عقل جوهری در نگاه شیخ صدوق رحمته‌الله

در نگاشته‌های حدیثی شیخ صدوق تعریفی پیرامون چیستی «عقل» ارائه نشده است<sup>۲</sup> اما از دو مسیر می‌توان تعریفی از عقل و چیستی آن به‌دست آورده و منسوب به شیخ صدوق دانست. از آنجا که مشی حدیث پژوهانه شیخ صدوق بیشتر جنبه روایی دارد - بدین معنا که آراء خویش را با حدیث ارائه می‌کند و نیز بر این باور است در صورت صحت طرق اخبار راهی به‌سوی طرح آنها وجود ندارد<sup>۳</sup> - از این رو خبرویت شیخ صدوق در نقل احادیث صحیح الاسناد نشانگر اعتماد و اعتقاد صدوق به آن روایت مندرج دارد.

در میان نگاشته‌های حدیثی شیخ صدوق عباراتی پیرامون عقل، قلمرو و کارکرد آن جلب توجه می‌کند که بخشی از آن گزاره‌ها ماهیت و چیستی عقل را از منظر شیخ صدوق آشکار خواهد کرد:

۱. «کاربست‌های عقل تفسیری با تأکید بر محدوده آن»؛ عقل و دین، شماره ۱۹، ص ۸۹.

۲. «عقل‌گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او»؛ علوم حدیث، شماره ۵۷، ص ۳۶.

۳. «نگرشی به فراز و فرود کارنامه حدیث نگاری شیخ صدوق»، کتاب قیم، شماره ۲، ص ۱۷۶.

برخی از احادیثی که متضمن اشاراتی از مفهوم عقل در نزد شیخ صدوق دارد از قرار زیر است:

شیخ صدوق در باب «معنی نفس العقل و روحه و رأسه و عینیه و لسانه و فمه و قلبه و ما قوی به»<sup>۱</sup> عقل را برهان و دلیل خدا بر روی زمین و فرقان راست از دروغ و نیکی از بدی و راستی از کژی می‌داند.<sup>۲</sup> فقره‌ای دیگر از این حدیث نورانی چنین عقل را معنا می‌کند: عبادت به واسطه عقل انجام شده و ثواب و عقل بر اساس آن اعطا می‌شود؛ «بِكَ الثَّوَابُ وَ بِكَ الْعِقَابُ...».<sup>۳</sup> دیگر آنکه صدوق عقل را ارزیابنده درستی گفتارها و رفتارها،<sup>۴</sup> عقل و نقل هم‌پای یکدیگر در کشف معارف اعتقادی<sup>۵</sup> و حتی گزاره دریافتی از عقل توان تخصیص و تقیید گزاره‌های نقلی را داراست.<sup>۶</sup>

از برآیند احادیث و گزاره‌های پیش گفته تعریفی که از عقل به‌عنوان «جوهری» می‌توان به شیخ صدوق نسبت داد چنین است: عقل توانی است که با استمداد از آن می‌توان بین شر و نیکی جدایی افکند و همچنین قوایی برای درک معرفت و حقیقت بوده و ارزیابنده درستی گفتارها و رفتارها است.<sup>۷</sup>

در این راستا باید گفت عقل جوهری نیز به اعتبار مدرکات خود به دو قسم عقل جوهری نظری و عقل جوهری عملی تقسیم می‌شود. پذیرش ایمان و عمل به مفاد مجموعه دستورات دین منوط به عقل جوهری است «مَا عِبُدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ أُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»<sup>۸</sup> اگر برهان بر مطلبی اقامه شد، به‌طور ضروری، فهم آن مطلب اتفاق می‌افتد؛ اما ایمان، عملی است که از سنخ علم و ادراک نفس نیست، بلکه کار نفس بوده و حال آنکه میان فعل و نفس آدمی اراده متخلل است؛ لذا شاید فردی ایمان بیاورد ولی باور نکند و بدان پایبند نباشد در صورتی که یقین و ادراک نظری (عقل نظری) صورت گرفته است؛ چه اینکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ﴾<sup>۹</sup> و آنها را در حالی که باطنشان به

۱. معانی الاخبار، ص ۳۱۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۳۹.

۴. شیخ صدوق، ۱۴۱۶، ص ۱۵.

۵. همان، ص ۲۹۰.

۶. معانی الاخبار، ص ۷۵.

۷. ر.ک: «عقل گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او»، علوم حدیث، شماره ۵۷، ص ۳۷.

۸. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۹.

۹. نمل: ۱۴.

الهی بودن آن معجزات یقین داشت، انکار کردند.

درباریان فرعون از جهت عقل نظری و جزم علمی یقین داشتند که حق با موسی کلیم الله است ولیکن از لحاظ عقل عملی و عزم انکار می‌کردند؛ چون شأن عقل نظری از عقل عملی کاملاً جداست، لذا تفکیک میان قبول آن و نکول این ممکن است و از طرفی عقل جوهری عملی عهده دار جزم و اجرای احکام و عقل نظری مسئول جزم، تعلیل و تحریر آن است و انفکاک این دو شأن از شئون نفس انسانی از یکدیگر امکان دارد.<sup>۱</sup>

## ۲. عقل مُدرک در نگاه شیخ صدوق رحمته الله علیه

از اساسی‌ترین موضوعات بعد از چیستی و ماهیت عقل، گفت وگو پیرامون «عقل مُدرک» است. گو اینکه در جامعه شیعی اشتراک لفظی مفهوم عقل، نگاه وجود شناختی از عقل را پیچیده کرده است. گاهی اوقات عقل در اصطلاح جوهری مجرد با عقل مدرک اشتباه می‌شود. البته مرزبندی‌های صورت گرفته، به اعتبار مدرکات عقل است؛ زیرا عقل یک حقیقت واحد بیش نیست<sup>۲</sup> برخی دانایان امامیه در راستای احتجاج علیه اعتبار عقل با تمسک به روایاتی همچون «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يَصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرْءَاءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ»<sup>۳</sup> اعتبار مدرکات عقل را مورد نقاش قرار می‌دادند.

غائله بر سر ارزش عقل با توجه به این دسته از روایات، جریان‌های فکری متهافتی از یکدیگر در جامعه شیعه پدید آورد. مکتب اخباری به‌خاطر اهتمام و عنایتی که در مقام استنباط احکام فقهی به روایات اهل بیت علیهم السلام داشتند، مآخذ احکام فقهیه را منحصر کتاب و سنت تلقی کرده و از دیگر سو هیچ‌گونه وقع و التفاتی به عقل و مدرکات آن به‌عنوان منبع استنباط احکام قائل نبودند. همچنین چون بیشتر اخباری‌ها ظواهر روایات موجود در کتب اربعه را حجت دانسته و اصول عملی عقلی قبول نداشته و هر آنچه محتمل‌الوجوب یا محتمل‌الحرمه بود را از رهگذر اصل نقلی احتیاط «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ فِيمَا قَالَ يَا كُمَيْلُ أَخُوكَ دِينُكَ فَاحْتِطْ لِدِينِكَ بِمَا

۱. ر.ک: منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، صص ۱۴-۱۵.

۲. ر.ک: صدر، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱.

۳. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۴.



شِئْتٌ...»<sup>۱</sup> واکاویده‌اند.<sup>۲</sup>

در یک نگاه کلان عقلِ مدرک یا منبعی است یا مصباحی<sup>۳</sup> برپایه این تقسیم‌بندی عقل در برابر ادله دیگر برای استنباط احکام قرار گرفته و همچنین استدلال‌های منطقی با استعانت از این عقل امکان‌پذیر است. حال به اقتضای سخن عقل منبعی و عقل دلالی را در آثار شیخ صدوق جستجو خواهیم کرد تا حتی الامکان دیدگاه وی پیرامون عقل را به دست بیاوریم.

### ۲/۱. عقل مدرک منبعی

عقل مدرک منبعی به مثابه یک مصدر و مأخذ برای تفسیر آیات قرآن در عرض دیگر منابع تفسیری است.<sup>۴</sup> از دیدگاه شیخ صدوق چنین عقلی به عنوان یکی از منابع معرفتی است و شایستگی فهم و درک برخی از گزاره‌های دینی را دارد. توان تولید معرفت از عقل منبعی وجود دارد.<sup>۵</sup> همچنین مارتین مکدموت در اثری به این مسئله توجه داده است و اظهار می‌دارد

این بابویه بر عقل روا داشته است که قابل به دست آوردن مقداری معرفت و شناخت خدا شود.<sup>۶</sup>

با پی‌جویی آثار شیخ صدوق و کلیدواژه عقل در تراث روایی ایشان، در باب «أنه عزوجل لا يعرف إلا به» پیرامون شناخت خدا با خدا شیخ صدوق چنین می‌نگارد:

القول الصواب فی هذا الباب هو ان يقال: عرفنا الله بلله لانا ان عرفناه بعقولنا فهو عزوجل واهبها و ان عرفناه عزو جل بانبياءه و رسله و حججه عليهما السلام فهو باعثهم و مرسلهم و متخذهم حججا، و ان عرفناه بانفسنا فهو عزوجل محدثها فبه عرفناه<sup>۷</sup> سخن درست در این زمینه این است که گفته شود ما خدا را به وسیله خدا می‌شناسیم؛ زیرا اگر خداوند را با عقل

۱. الامالی مفید، ج ۱، ص ۲۸۳؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. ر.ک: «ارزش مدرکات عقلی-دلیل عقل»؛ مقالات و بررسی‌ها، شماره ۴۳ و ۴۴.

۳. ر.ک: تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۴. عقل و وحی، ص ۴۵.

۵. «عقل‌گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او»؛ علوم حدیث، شماره ۵۷، ص ۳۷.

۶. اندیشه کلامی شیخ مفید، ص ۴۲۳.

۷. التوحید، ص ۲۹۰.

خود بشناسیم پس خداوند بخشنده آن است و اگر خداوند را به وسیله انبیا، رسولان و حجت‌ها بشناسیم خداوند آنها را انتخاب کرده است و اگر او را به وسیله خودمان بشناسیم باز خداوند آن را به وجود آورده است و به وسیله خودش او را شناخته‌ایم.

### ۲/۲. عقل مدرک دلالی

عقل مدرک دلالی، ابزاری است که در طول کتاب و سنت قرار دارد و وسیله دیده شدن اشیاء است و جنبه مرآتی نسبت به دیگر معرفت‌ها دارد<sup>۱</sup> و مستندات و قرائن داخلی و خارجی را به جمع‌بندی می‌رساند.<sup>۲</sup> ناگفته نماند تعبیری که شیخ صدوق از این قسم استفاده می‌کند عقل دلالی است.<sup>۳</sup>

در آثار و مجموعه تراث روایی شیخ صدوق تصریحاتی نسبت به عقل دلالی وجود دارد و صدوق آشکارا اظهار می‌دارد که این عقل مدرک دلالی است که انسان را به کشف و فهم گزاره‌ها راهنمایی می‌کند. شیخ صدوق در کتاب التوحید در مقام فهم آیه «اللّه نور السماوات و الارض»<sup>۴</sup> خدا نور (وجودبخش) آسمان‌ها و زمین است» چنین بیان می‌کند:

ان العقول داله علی ان الله لا یجوز ان یكون نورا و لا ضیاء و لا من جنس الانوار لانه خالق و الانوار و الضیاء و خالق جمیع اجناس الاشیاء؛<sup>۵</sup> زیرا عقول بر این مطلب دلالت می‌کنند که جایز نیست خداوند روشنایی یا جنس آن باشد زیرا او خودش آفریننده نور و تمام جنس چیزهاست.

و نیز شیخ صدوق در باب اثبات حادث بودن جهان هستی چنین بیان می‌کند:

و لیس یجوز فی عقل و لا یتصور فی وهم ان یكون ما لم ینفک من الحوادث و ما لم یسبقها قدیما؛<sup>۶</sup> از نظر عقلی جایز نیست و در ذهن

۱. استادی، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۶۶.

۲. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۵۷.

۳. ر.ک: التوحید، ص ۱۵۶.

۴. نور: ۳۵/۲۴.

۵. التوحید، ص ۱۵۶.

۶. همان، ص ۲۹۹.

هم نمی‌آید آن چیزی که از حوادث و اتفاقات نیست و قدیم نمی‌باشد.

### ۳. نص‌گرایی و عقل‌گرایی در تفسیر قرآن

اگر چه در جوامع حدیثی امامیه تعریف جامع افراد و مانع اغیار از عقل ارائه نشده؛ اما حدیث‌پژوهان امامیه به‌خلاف غیر امامیه به عقل به‌مثابه یکی از حجت‌های الهی که خدا بر انسان عطا فرموده، اعتبار خاصی بخشیده‌اند.<sup>۱</sup> همان‌طور که شیخ کلینی در حدیث هشام به حکم آورده است، عقل حجتی درونی بوده و نیز حجت بیرونی به انسان عطا شده است؛ دوم آنکه خدا بر طبق عقل عقاب و ثواب می‌دهد.<sup>۲</sup>

نص‌گرایی عنوان برای نگرشی است که به‌طور عام در معرفت دینی و به‌طور خاص در تفسیر قرآن جایگاه نخستین برای ظواهر قرآن و روایات یا منحصرراً روایات قائل است. در برابر آن عقل‌گرایی قرار دارد<sup>۳</sup> که نقش بنیادین در بسترهای مذکور را به عقل می‌دهد و هم‌سنگ نص برای عقل اعتبار قائل است. بعضی اوقات از نص‌گرایی با عناوین دیگری همچون روایت‌گرایی، نقل‌گرایی، ظاهر‌گرایی برای اشاره به این رویکرد استفاده شده است.<sup>۴</sup> باورمندان به نص‌گرایی، یا اعتباری برای عقل در فهم و تفسیر قرآن قائل نیستند یا اغلب نقل را بر عقل مقدم می‌شمارند. افزون بر آن، گلوگاه اصلی نص‌گرایان در تفسیر قرآن، بر روایات منقول از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام (نص‌گرایان شیعی) یا منقولات رسول خدا، صحابیان و تابعان (نص‌گرایان سنی) است. این دسته از نصوص‌گرایان فهم فراتر از متون دینی را در تفسیر قرآن مجاز ندانسته و از تأویل‌های بر حسب دریافت‌های عقلی حذر داده‌اند.<sup>۵</sup>

### ب. نسبت عقل و وحی در منظومه فکری شیخ صدوق رَحِمَهُ اللهُ

تأکید اسلام بر نقش و جایگاه عقل در فرآیند کسب معرفت و حقیقت به معنای انکار و ردع نقش

۱. «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در تشیع»، پژوهشنامه کلام، شماره ۴، صص ۹-۱۰.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۳. المدرسة القرآنیة، ص ۱۰.

۴. «شأن و کارکرد عقل در تفسیر قرآن از دیدگاه نص‌گرایان»؛ قرآن‌شناخت، شماره ۲، ص ۶۸.

۵. همان، ص ۶۹.

دیگر حواس و قوای ادراکی نیست. بلکه قوای دزاکه انسان وسیله کارآمد جهت کسب معارف است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق با نقلی از یکی از پیشوایان شیعیان امامیه نقش و جایگاه بی بدیل عقل را می‌پذیرد. امام هادی علیه السلام پیرامون رؤیت باری تعالی با چشم سر چنین می‌فرماید:

تا زمانی که بین بیننده و شیء دیده‌شده هوایی وجود نداشته باشد که نور دیده از آن بگذرد، ابصار محقق نخواهد شد و هرگاه نور قطع شود، دیدن حاصل نمی‌شود و اگر دیده شده با بیننده در علتی که موجب دیدن هم می‌شود همسطح باشد، باید بین آن دو تشابهی وجود داشته باشد و در این امر تشبیه خدا به ماده وجود دارد.<sup>۲</sup>

همانطور که در این سخن مشهود است شیخ صدوق با ارائه دلیل نقلی با فحوای موافق و همدل با عقل دیدگاه خویش را ارائه نموده و دیده‌شدن خدای تعالی را منوط به جسم پنداشتن خدا دانسته؛ از این رو جسمانیت خدا را منتفی می‌داند. بنابراین عقل دلالتی برای فهم و درک حقایق هستی، امری پذیرفته‌شده در منظومه فکری شیخ صدوق بوده است؛ هرچند مشی حدیث‌پژوهانه وی ایجاب می‌کرد باورهای خویش را در قالب نص بیان کند.

از طرفی دیگر پیرامون امکان بهره‌گیری از عقل در حوزه فهم و درک قرآن کریم دیدگاه‌های متهافتی مطرح شده است. بعضی عقل را منحصر برای درک وحی کافی دانسته و برخی افزون بر آن، الهامات ربّانی و اشارات الهی همچون نقل و کشف و شهود را نیز لازم می‌پندارند. دسته دیگر افرادی هستند که روایات و اخبار اهل بیت علیهم السلام را در کنار عقل ضروری می‌دانند و دسته دیگر (اخباری‌ها) برای مدرکات عقل حجیتی قائل نیستند.<sup>۳</sup> در این بخش کارکرد عقل از دریچه آثار شیخ صدوق در حوزه دینی را خواهیم کاوید تا از این رهگذر به شناخت دقیق‌تر منظومه فکری شیخ صدوق در تفسیر قرآن نزدیکتر شده تا او را در یکی از دسته‌بندی‌های مذکور قرار دهیم.

۱. «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق»؛ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱، ص ۱۲۱.

۲. التوحید، ص ۱۳۵.

۳. «نقش عقل در فهم آیات قرآن»؛ نشریه فلسفه دین، شماره ۱۰، ص ۱۵۳.

## ۱. نقش ارشادی وحی نسبت به عقل

شیخ صدوق مسائل اعتقادی را به سه دسته تقسیم کرده است: نخست، مسائلی که فقط با عقل قابل اثبات است؛ دوم مسائلی که هم با عقل و هم با نقل به اثبات می‌رسد و سوم مسائلی که تنها با نقل قابل اثبات است. برای ارزیابی و بررسی ارتباط عقل و وحی از دیدگاه شیخ صدوق در براهینی همچون اثبات واجب الوجود و امثال ذلک، هر چند عقل مستقل از وحی قادر به اثبات موضوع مطمح نظر باشد؛ با وجود این وحی در این راستا نقش ارشادی برای عقل ایفاء می‌کند.<sup>۱</sup>

شیخ صدوق عقل را یکی از منابع معرفتی می‌داند که قابلیت کشف و فهم بعضی از گزاره‌های دینی و توان تولید معرفت را داراست. شیخ صدوق عقل مدبرک را در شناخت خدا توانمند دانسته و در آثار وی از راه‌های معرفت به خدا، شناخت عقلی را معتبر می‌داند.<sup>۲</sup> شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات خویش اظهار می‌دارد:

بحث کردن با مخالفان با استناد به سخنان امامان یا به معانی سخنان آنان برای کسی که کلام می‌داند، آزاد است و لیکن برای کسی که کلام نمی‌داند، ممنوع و حرام است.<sup>۳</sup>

## ۲. کارایی معرفت شناختی عقل

شیخ صدوق در علل الشرایع در تفسیر داستان موسی و خضر اظهار می‌دارد:

عقل اگر سودمندی و اثربخشی معرفت شناختی کاملی می‌داشت، باید گره از کار پیامبر اولوالعزم می‌گشود.<sup>۴</sup>

هرچند ظاهر کلام شیخ صدوق در این فقره مذمت عقل‌گرایی به‌شمار می‌رود، اما این استظهار، تهافتی با اعتقاد ایشان به توان معرفت شناختی عقل ندارد؛ چرا که سایر مکاتب عقل‌گرا نیز توان معرفت شناختی عقل انسان را تا بدان پایه نمی‌دانند که بتواند به حقیقت هستی راه یابد. ایشان بر این

۱. «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق»؛ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱، ص ۱۲۴.

۲. کلام شیعه: ماهیت، مختصات و منابع، ص ۱۵۴.

۳. به نقل از «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق»؛ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱، ص ۱۲۴.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۶۵.

باورند که عقل نوعی ابزار معرفتی است که حتی المقدور در راه فهم جهان جلو می‌رود.<sup>۱</sup> در نگاه نخست عده‌ای می‌پندارند شیخ صدوق مخالف عقل است. ایشان باور دارند صدوق نه تنها مخالف استفاده از عقل در فروع دین و فروع فقهی است؛ بلکه مخالف استفاده از عقل در مباحث اعتقادی و کلامی است دلیل هم عدم معرفی از عقل به‌عنوان یک منبع معرفتی است.<sup>۲</sup> در حالی که چنین انگاره‌ای از تراث و نگاه‌های شیخ صدوق استفاده نمی‌شود. به‌طوری که مکدموت بیان می‌کند:

ابن بابویه مشتاق آن بود که تهمت ناسازگار بودن احادیث امامیه را با توحید و عدل خدا رد کند.<sup>۳</sup>

با مطالعه آثار شیخ صدوق به‌خصوص کتاب التوحید روشن است شیخ صدوق بسیاری از مسائل توحید را با برهان عقلانی استنتاج کرده است. دلیل چنین مطلبی، وجود چندین روایت پیرامون نقش و کارایی عقل از دریچه آثار شیخ صدوق است. برای نمونه از این دست روایات، می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد.

ابن بابویه باور دارد خدا به آفریده‌های خود شباهت ندارد. او چنین گوید:

دلیل اینکه خدا به آفریده‌هایش شباهت ندارد این است که هیچ‌یک از ساخته‌های او دارای جنبه‌ای نیست که محدث نباشد و هیچ جنبه محدث نیست که نشان‌دهنده قدیم‌نبودن دارنده او نباشد. پس اگر خدا شبیه یکی از آنان می‌بود لازم می‌آمد که آن جنبه به همان گونه که نشانه‌ای از حدوث دارنده آن است، نشانه‌ای از حدوث خدا باشد.<sup>۴</sup>

همچنین آمده است ابن سکیت به امام رضا علیه السلام عرض کرد:

امروز مدعیان زیادند و دعوای فراوان. در چنین شرایط نامساعدی، حجت خدا

۱. «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق»؛ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱، ص ۱۲۶.

۲. نک: نیازی، ۱۳۹۰، ص ۸۲.

۳. اندیشه کلامی شیخ مفید، ص ۴۲۷.

۴. التوحید، ص ۸۰-۸۱.

بر مردم چیست؟ فرمود: عقل.<sup>۱</sup>

در جایی دیگر شیخ صدوق با نقل روایتی از احمد بن حسن قَطَّان جریان مفصلی را نقل می‌کند. در روایت آمده است فردی نزد امام علی علیه السلام رفته و به ناسازگاری بدوی برخی از آیات قرآن کریم با یکدیگر اشاره می‌کند. امام در پاسخ می‌فرماید:

فقال علی بن ابی طالب علیه السلام: ان کتاب الله لیصدق بعضه بعضا و لا

یکذّب بعضه بعضا ولکنک لم ترزق عقلا تنفع به؛<sup>۲</sup> امام علی می‌فرماید:

قطعا کتاب خدا بعضی آیاتش بعضی دیگر را تصدیق می‌کند و بعضی آیات دیگر آیات را تکذیب نمی‌کند اما به تو عقلی که برای فهم آن سود بخشد روزی داده نشده است.

### ۳. وحی، پشتیبان مسائل عقل‌گریز

برخی مسائل معرفتی وجود دارد که کاملا از حوزه ادراکی عقل خارج است و عقل به‌تنهایی توانایی فهم آن را ندارد. مارتین مکدرموت گوید: «مقصود این بابویه آن است که عقل بدون یاری وحی نمی‌تواند به شناخت کامل خدا برسد»<sup>۳</sup> در اینگونه موارد، قهرا وحی باید پشتیبان عقل باشد چون در غیر این صورت در مسائل عقل‌گریز، به انکار آن مسئله معرفتی منجر خواهد شد. همچون عوالم پیش و پس از دنیا، اعمال و رفتار انسان در قیامت، عالم ذر و لوح این دسته از مسائل عقل مستقلا توانایی فهم و درک آن را ندارد.

در تفسیر شیخ صدوق این دسته از موارد نیز به چشم می‌خورد. در داستان حضرت موسی علیه السلام و

عبدصالح، بعد از اعتراض حضرت موسی پیرامون قتل نفس محترمه، عبدصالح پاسخ می‌دهد:

إِنَّ الْعُقُولَ لَا تَحْكُمُ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ بَلْ أَمَرَ اللَّهُ بِحُكْمِ عَلَيْهَا؛<sup>۴</sup>

امر خدا حاکم بر عقل است و گاهی عقل نمی‌تواند به تنهایی در مورد اوامر خدا قضاوت کند.

۱. همان، ص ۱۴۹.

۲. التوحید، صص ۲۵۴-۲۶۹، حدیث ۵.

۳. اندیشه کلامی شیخ مفید، ص ۴۲۴.

۴. علل الشرائع، صص ۵۹-۶۲.

شیخ صدوق در تفسیر آیه ۳۱ سوره بقره چنین نقل می‌کند:

و الحكمة فی ذلك ایضا انه لا وصول الى السماء و وجوه الاستعدادات  
الا من طریق السماع و العقل غیر متوجه الی ذلك... فجعل الله العمده  
فی باب الخلیفه السماع؛<sup>۱</sup> خدای تبارک و تعالی همه اسماء را به حضرت آدم  
آموخت، چرا که راهی غیر از وحی برای فراگیری اسماء و روش‌های پرستش و  
اطاعت خدا وجود نداشت.

بر اساس نظر شیخ صدوق، بعضی از قلمروهای معرفتی در چارچوب عقل قرار می‌گیرند و بعضی  
دیگر فراتر از این حوزه‌اند. برای مثال، ضرورت خلافت الهی از منظر ایشان امری ضروری است:  
و لولا ان القرآن نزل بانّ محمدا خاتم الانبیا لوجب کون رسول فی کل  
وقت فلما صح ذلك ارتفع معنی کون الرسول بعده و بقیة الصورة  
المستدعیة للخلیفة فی العقل؛<sup>۲</sup> اگر خداوند ختم نبوت را در قرآن اعلام  
نکرده بود، عقل حکم می‌کرد که در هر زمانی پیامبری می‌آمد و حال آنکه  
پیامبری دیگر مبعوث نشده عقل به موضوع خلافت و جانشینی می‌پردازد.

وی همچنین در تبیین توانایی عقل چنین اظهار می‌دارد:

و اذا لم یصور ذلك لم تتسق الدعوة و لم تثبت الحجة... فلو كان  
فی العقل انکار الرسل لما بعث الله نبیا قط؛<sup>۳</sup> خداوند امری را مقرر نمی‌کند  
مگر اینکه صورتی از حقیقت آن امر را در عقل انسان قرار دهد لذا اگر عقل  
مسئله ارسال رسل را درک نمی‌کرد و یا انکار می‌نمود، خداوند هیچ پیامبری را  
مبعوث نمی‌کرد.

### ج. گزارش عقل مُدرک منبعی و دلالی در روایات تفسیری شیخ صدوق رحمته الله

در میان مفسران روایت‌گرا، انکار نقش استقلالی عقل در تفسیر قرآن به‌مثابه یک مبنای  
تفسیری مورد عنایت بوده و تفاسیر ایشان خالی از هرگونه بررسی‌های اجتهادی و تحلیلی با نگاه

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان.



عقلایی و آکنده از اخبار تفسیری است. در باب مفهوم عقل، از زوایای گوناگون، تعاریف متهافتی بیان شده است<sup>۱</sup> با نگاهی فراتر به مقوله عقل در می‌یابیم که کاربرد عقل در اندیشه دینی طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که از فهم ملازمات مربوط به کلام نظیر لحن خطاب، فحوای خطاب، تا دلالت‌های مستقلی چون حسن و قبح اشیا را شامل است؛ بر همین پایه دانایانی چون شیخ مفید، عقل را گاه نیروی تشخیص و تحلیل در شناخت معارف نظری دانسته و گاه آن را فهم عقلایی و مقتضای بنای عقلا تلقی کرده‌اند.<sup>۲</sup> همچنین شیخ طوسی نیز عقل را بر مجموع دانش‌ها و آگاهی‌هایی حمل نموده که در جهت استدلال نظری لازم است.<sup>۳</sup> از آنجا که این جستار مسئله قابل بحث منزلت والای عقل از منظر شیخ صدوق را دنبال می‌کند می‌توان نظر شیخ صدوق پیرامون عقل مدرک منبعی و دلالی در تفسیر را در برخی از روایات تفسیری ایشان گزارش نمود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت:

### روایت اول:

قال الباقر عليه السلام: الصَّمَدُ الَّذِي لَا جُوفَ لَهُ وَ الصَّمَدُ الَّذِي قَدِ انْتَهَى سُودُودُهُ وَ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَ لَا يَشْرَبُ وَ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يَنَامُ وَ الصَّمَدُ الدَّائِمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ؛<sup>۴</sup> امام باقر عليه السلام می‌فرماید: صمد فضای خالی ندارد و توپیر است و صمد کسی است که نمی‌خورد و نمی‌آشامد و صمد کسی است که نمی‌خوابد و صمد کسی است که زائل نمی‌گردد و دائمی است.

### روایت دوم:

قال الباقر عليه السلام: اللَّهُ مَعْنَاهُ الْمُعْبُودُ الَّذِي أَلِهَ الْخَلْقُ عَنْ دَرْكِ مَاهِيَّتِهِ وَ الْإِحَاطَةَ بِكَفَيْتِيَّتِهِ؛<sup>۵</sup> امام باقر عليه السلام می‌فرماید: الله معبودی است که مخلوقات از درک ماهیت و احاطه به کیفیت او درمانده‌اند.

۱. رک: بحار الانوار، ج ۱، صص ۱۰۰-۱۰۴.

۲. النکت من مقدمات الاصول، بند ۱-۷؛ همان، الفصول المختاره، ص ۷۳.

۳. التبیان، صص ۸۳-۸۴.

۴. التوحید، ج ۲، ص ۵۸۸.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۸۸.

### روایت سوم:

قال الباقر عليه السلام: الاحد و الواحد بمعنى واحد و هو المتفرد الذي لا نظير له و التوحيد الاقرار بالوحده و هو الانفراد و الواحد المتباين الذي لا ينبعث من شيء و لا يتخذ بشيء؛<sup>۱</sup> امام باقر عليه السلام می فرماید: احد و واحد مفهوما به معنای "واحد" هستند و واحد متفردی است که همانند ندارد و توحید به معنای اقرار به وحدانیت خداست و وحدت به معنای انفراد است و واحد متباين کسی است که چیزی از او گرفته نشود و او از چیزی اخذ نگردد.

### روایت چهارم:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْجِسْمِ وَ الصُّورَةِ فَكَتَبَ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ لَا جِسْمٌ وَلَا صُورَةٌ؛<sup>۲</sup> به امام کاظم عليه السلام نامه نوشتم و از او پیرامون جسم و صورت سؤال پرسیدم ایشان در پاسخ نوشتند خدای سبحان مثل شیء نیست و جسم و صورتی ندارد.

### ارزیابی و تحلیل روایات:

- شیخ صدوق بر این باور است که عقل تفسیری، مستقلا واجد طراحی سازه معرفتی بوده؛ گرچه این طرح‌واره معرفتی سطحی نازل و رقیق شده از تعالیم و آموزه‌های وحیانی است؛ به سخن دیگر وجود آموزه‌ها در متن سنت، بشر را به سطحی مترقی از فهم می‌رساند.
- ناگفته نماند گاهی وحی مدد رسان و پشتیبان معرفتی عقل است و برای آن دسته از کسانی که فطرتشان آسیب دیده و توانایی به کارگیری بدیهیات عقلی را ندارد، مورث ثمره معرفتی است و گرنه عقل مدرک منبعی، مستقلا در فهم معارف تواناست.
- با استظهار از روایات سه‌گانه فوق معلوم می‌شود استدلال‌ها و براهین مذکور در متن روایات مبتنی بر مقدمات بدیهی عقلی بوده که توسط عقل سابقا ادراک شده است. همان طور که در روایت نخست مشاهده می‌شود «صمد» کسی معرفی می‌گردد که زوال ناپذیر است. امر

۱. همان.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۴.

مفروض از نظر امام معصوم علیه السلام دائمی بودن خدا در نظر گرفته شده بدین معنا که اگر صمد وجودی دائمی نباشد پس نیازمند به غیر است در حالیکه خدا غنی مطلق است و نیاز به دیگری نقص بوده و از ساحت قدسی خدای تبارک و تعالی به دور است. با این بیان معلوم می‌شود چنین برهانی در روایت نخست مبتنی بر بدیهیات عقلی اقامه شده است از این رو نسبت وحی و عقل از نظرگاه شیخ صدوق این همانی است و معارف مستفاد از عقل و وحی متعارض یکدیگر به حساب می‌آیند.

- همچنین ظاهر روایت دوم مشعر به این است که بدیهیات عقلی امری مفروض قرار داده شده؛ زیرا احاطه به کیفیت اشیاء و درک ماهیت آنها از امور برهانی و استدلالی است به همین جهت باید درکی روشن و شفاف از «احاطه به کیفیت» و «درک ماهیت» نزد مخاطب وجود داشته باشد تا امام معصوم از چنین گفتار و تعابیر لطیفی برای تبیین معنای «الله» بهره گیرد به سخن دقیقتر براهین عقلی همواره در سطوحی در بیانات معصومان به کار گرفته شده و این نشان از مسلم دانستن بدیهیات عقلی نزد معصومان علیهم السلام است.

۴۵



### نتیجه گیری

با توجه به آنچه در این نوشتار آمد به مطالب زیر به عنوان نتایج تحقیق تأکید می‌گردد:

۱. عقل‌گرایی در روایات تفسیری ائمه و به صورت پراکنده در آرای تفسیری برخی از اصحاب ایشان و مفسران پیش از قرن چهارم نیز وجود داشته است، همچنان که این پدیده توسط مفسران اهل سنت پیش‌تر از قرن چهارم نیز ظهور و بروز داشته است. اما به دلیل تفاوت منشأ علم ائمه و سایرین و اینکه منظور از این عنوان، ظهور فراگیر خردگرایی توسط مفسران غیر معصوم شیعی است - به نحوی که اطلاق عنوان جریان بر آن صحیح باشد - نقطه آغاز این امر قرن چهارم دانسته شده است.
۲. اگر چه عنوان عقل مصباحی و منبعی اصطلاحات مفسران متأخرند، اما مدرکات عقل با عناوین دیگر (عقل منبعی و عقل دلالی) با حفظ مضمون و محتوا وجود داشته است.

۳. شیخ صدوق قدس سره در برخی از نگاشته‌های تفسیری خویش به اثبات برخی از باورهای اعتقادی امامیه پرداخته، اما چون این مواضع به‌طور مستقیم به تفسیر آیات قرآن مرتبط نبود ضرورتی به بحث پیرامون آن در این جستار دیده نشد.
۴. آنچه که در این تحقیق بدان اشاره شد، تحلیل عقلی شیخ صدوق بر فرازهای آیات قرآن است. همچنین با وجود احادیث معصومان و آیات قرآن نسبت به عقل، کمتر شاهد استفاده از عقل به‌عنوان منبع در تفسیر قرآن هستیم و عمده کارکرد دلالتی عقل مطمح نظر شیخ صدوق در تفسیر بوده است.
۵. با توجه به جایگاه عقل و وحی در منظومه فکری شیخ صدوق؛ وی نه نص‌گرای محض بوده و نه عقل‌گرای محض؛ همچنان که در عرصه‌های گوناگون تفسیری به اقتضای مقام بیشتر از تحلیل‌های عقلی بهره برده و کمتر به تحلیل مستندات روایی پرداخته است. همچنین عکس این قضیه نیز در تفسیر صدوق صادق است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاستبصار، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۳. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ اول، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ش.
۴. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ش.
۵. اندیشه کلامی شیخ مفید، مکدرموت، مارتین، مترجم احمد آرام، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۳ش.
۶. بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷. التبیان، طوسی، محمد بن حسن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۸. تسنیم: تفسیر قرآن کریم، جوادی آملی، عبدالله، چاپ دوازدهم، قم: اسراء، ۱۳۸۳ش.
۹. التفسیر القرآن، شیخ صدوق، محققان محمود کریمی و محسن دیمه کار، جامعه الامام الصادق، چاپ اول، ۱۴۳۹ق.
۱۰. التفسیر و المفسرون، معرفت، محمدهادی، چاپ چهارم، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۲۹ق.
۱۱. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم: موسسه دارالکتاب، ۱۳۱۳ق.
۱۲. التوحید، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴ش.
۱۳. رجال نجاشی، نجاشی، احمد بن علی، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۴. شرح اصول کافی، شیرازی، محمد بن ابراهیم، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. شیعه و پاسخ چند پرسش، استادی، رضا، تهران: مشعر، ۱۳۸۵ش.
۱۶. عقل و وحی، یوسفیان، حسن، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۷. علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۵ق.



۱۸. الغيبة، طوسی، محمد بن حسن، چاپ دوم، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ش.
۱۹. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، چاپ اول، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۳۰ق.
۲۰. کلام شیعه: ماهیت، مختصات و منابع، کاشفی، محمدرضا، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۲۱. کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۲۲. ماوراء فقه، صدر، محمد، لبنان: دارالأضواء، ۱۴۳۰ش.
۲۳. المدرسة القرآنیة، صدر، سید محمدباقر، بی‌جا، دارالصدر، ۱۳۹۰ش.
۲۴. المعالم الجدیدة للاصول، صدر، محمدباقر، مترجم مصطفی جباری، سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۸۷ش.
۲۵. معانی الاخبار، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.
۲۶. المقدمه، ابن خلدون، عبدالرحمن، مترجم محمد پروین گنابادی، بی‌جا، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸ش.
۲۷. مکاتب تفسیری، بابایی، علی اکبر، چاپ دهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ش.
۲۸. من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی شیخ صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه، ۱۴۱۳ق.
۲۹. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، جوادی آملی، عبدالله، قم: اسراء، ۱۳۸۶ش.
۳۰. المنهج الاثری، هدی جاسم، محمد ابوطبره، بوستان کتاب قم: ۱۳۷۳ش.
۳۱. النکت من مقدمات الاصول، شیخ مفید، محمد بن محمد، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

### مقالات:

۳۲. «ارزش مدرکات عقلی - دلیل عقل»، فیض، علیرضا، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۳۶۶ش.

۳۳. «بررسی روش شناختی تطبیقی اندیشه کلامی صدوق و مفید»، نیازی، محمد علی، و محمودی، سید احمد، الهیات تطبیقی، شماره ۶، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. «تأثیر محیط اجتماعی نیشابور بر نگارش امالی شیخ صدوق»، نویدفر و دیگران، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۳۷، ۱۳۹۹ ش.
۳۵. «تحلیل و بررسی رابطه عقل و نقل در اندیشه کلامی شیخ صدوق»، مهرنیا، حسن و دیگران، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۸ ش.
۳۶. «جایگاه عقل از منظر محدثان امامیه (شیخ کلینی و شیخ صدوق)»، سید وکیلی، سید هادی، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. «شان و کارکرد عقل در تفسیر قرآن از دیدگاه نص‌گرایان»، آریان، حمید، قرآن شناخت، شماره ۲، ۱۳۸۹ ش.
۳۸. «عقل‌گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او»، برنجکار، رضا، موسوی، محسن، علوم حدیث، شماره ۵۷، ۱۳۸۹ ش.
۳۹. «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در تشیع»، حکیم الهی، عبدالمجید، پژوهشنامه کلام، شماره ۴، ۱۳۹۵ ش.
۴۰. «کاربست‌های عقل تفسیری با تأکید بر محدوده آن»، اویسی، کامران، مودب، سیدرضا، عقل و دین، شماره ۱۹، ۱۳۹۷ ش.
۴۱. «نقش عقل در فهم آیات قرآن»، مهدوی راد، محمدعلی و زرگر، نرگش، نشریه فلسفه دین، شماره ۱۰، ۱۳۹۰ ش.
۴۲. «نگرشی به فراز و فرود کارنامه حدیث‌نگاری شیخ صدوق»، جلالی، مهدی، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.

